

نقش حقوق مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی:

با اشاراتی به موافقت‌نامه تریپس

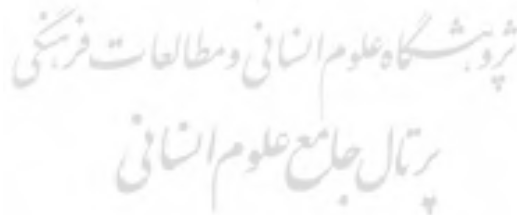
وحید بزرگی *

چکیده

در مقاله حاضر، ابتدا سعی شده است که نقش حمایت از حقوق مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی یا جذب تکنولوژی خارجی از طریق تجارت کالا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس روشن شود. نویسنده با بررسی مطالعات و تحقیقات تجربی به این نتیجه رسیده است که بین دو متغیر مذکور یک رابطه مثبت ولی پیچیده وجود دارد.

نویسنده سپس با اشاره به لزوم جلوگیری از سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری از طریق مقابله با رویه‌های ضدرقابتی، به بررسی مفاد گسترده موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) درباره انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضدرقابتی پرداخته و روی استفاده از آنها تأکید کرده است.

بدین ترتیب، نویسنده از یک سو به لزوم حمایت از حقوق مالکیت فکری برای تشویق نوآوری و جذب تکنولوژی خارجی و از سوی دیگر به ضرورت مقابله با رویه‌های ضدرقابتی برای جلوگیری از سوء استفاده صاحبان حقوق مالکیت فکری اشاره کرده است.



واژه‌های کلیدی

حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، انتقال تکنولوژی، تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اعطای لیسانس، رویه‌های ضدرقابتی، مجوز اجباری، واردات موازی.

* استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

مقدمه

در سطح جهانی، نوعی نابرابری در زمینه مالکیت فکری وجود دارد. طبق گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۹، بیش از ۹۵ درصد کل حق اختراعات جهان به کشورهای صنعتی تعلق داشته و در این میان هم آمریکا از تفوق فوق العاده‌ای برخوردار بوده است. بعلاوه، فقط ۱۰ کشور ۸۴ درصد تحقیق و توسعه در جهان را در اختیار خود داشته‌اند. بر همین اساس، بیش از ۸۰ درصد حق اختراعات اعطا شده در کشورهای در حال توسعه به اتباع کشورهای صنعتی تعلق داشته است. [۱] بنابراین، جغرافیای مالکیت حق اختراع بشدت به نفع کشورهای شمال است، گو این که روندها نشان می‌دهد که سهم این کشورها رو به کاهش و سهم کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. [۲] بدیهی است که کشورهای در حال توسعه برای رفع این عقب‌ماندگی تکنولوژیک خود دو راه دارند: ۱- تقویت نوآوری و تحقیق و توسعه در داخل ۲- وارد کردن تکنولوژی خارجی.

حال، این سؤال دایماً مطرح بوده است که حمایت از حقوق مالکیت فکری چه نقشی در توسعه تکنولوژیک و انتقال تکنولوژی دارد. در مقاله حاضر به بررسی نقش حقوق مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی یا جذب تکنولوژی خارجی پرداخته می‌شود. همان طور که می‌دانیم، انتقال تکنولوژی یا به صورت رسمی و از طریق مذاکره و عقد قرارداد صورت می‌گیرد (مثل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اخذ لیسانس و ...) و یا به صورت غیررسمی و بدون قرارداد مکتوب و بدون پرداخت پول. به هر حال، از جمله اشکال انتقال تکنولوژی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک، تأسیس شرکتهای وابسته با مالکیت کامل، قرارداد ساخت کارخانه آماده بهره‌برداری، اخذ لیسانس خارجی، تجارت کالاهای سرمایه‌ای، مشاوره فنی و ترتیبات خدمات فنی، ترتیبات تحقیق و توسعه مشترک و قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاههای محلی و مؤسسات تحقیقاتی دولتی، آموزش، تبادل اطلاعات، قراردادهای فروش، قراردادهای مدیریت، ارائه اطلاعات فنی یا ارائه خدمات از طرف فروشنده یا تولیدکننده

1- turnkey plants

خارجی درباره تجهیزات فروخته شده خود، کمکهای فنی فروشندگان خارجی، کمکهای فنی خریداران خارجی، اطلاعات مکتوب نهفته در کاتالوگهای فروش و مشخصات فنی تجهیزات و مجلههای تجاری و غیره، بازدید از کارخانههای خارجی، جذب مغزها (برعکس فرار مغزها) یا بازگشت افراد بومی حرفه‌ای تحصیل کرده در خارج و همکاری مهندسان خارجی، تقلید و مهندس معکوس محصولات خارجی.... در مقاله حاضر، روی اشکال رسمی عمده انتقال تکنولوژی تأکید می‌شود: تجارت کالا، سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای لیسانس.

با توجه به نابرابری موجود بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه به نظر می‌رسد که آثار ایستای حمایت از حقوق مالکیت فکری به نفع کشورهای توسعه‌یافته است که از نظر داراییهای فکری وضع بهتری دارند. برای مثال، برآورد بانک جهانی حاکی از آن است که اجرای موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) از نظر افزایش ایستای درآمد حق اختراع به نفع کشورهای توسعه‌یافته است و آمریکا سالیانه ۱۹ میلیارد دلار سود خواهد برد، در حالی که کشورهای در حال توسعه و تعدادی از کشورهای توسعه یافته نیز زیان خواهند دید و کشور کره بیشترین زیان را خواهد دید (۱۵ میلیارد دلار). [۳]

ولی از نظر آثار پویای حمایت از حقوق مالکیت فکری و تأثیر آن بر انتقال تکنولوژی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای لیسانس و به طور کلی تأثیر آن بر توسعه اقتصادی نمی‌توان به این سادگی قضاوت کرد. به طور خلاصه، در مورد رابطه حقوق مالکیت فکری با جذب تکنولوژی خارجی نظرات متعارضی وجود دارد. طرفداران حقوق مالکیت فکری استدلال می‌کنند که حمایت از این حقوق در کشورهای در حال توسعه باعث افزایش درآمد و اطمینان و در نتیجه انگیزه شرکتهای خارجی برای انتقال تکنولوژی خود به این کشورها می‌گردد و عدم حمایت از حقوق مالکیت فکری و امکان تقلب و تقلید اگر هم در کوتاه‌مدت به نفع این کشورها باشد در بلندمدت باعث از میان رفتن انگیزه تولید و عرضه تکنولوژیهای جدید می‌شود. در مقابل، مخالفان حقوق مالکیت فکری هم استدلال می‌کنند که این حقوق باعث افزایش قدرت انحصاری شرکتهای، کاهش

امکان تقلید محلی از تکنولوژیهای جدید، کاهش عرضه این تکنولوژیها و افزایش قیمت کالاهای مربوطه می‌گردد. بنابراین، عده‌ای معتقدند که حمایت از حقوق مالکیت فکری باعث کاهش شکاف تکنولوژیک بین شمال (کشورهای توسعه‌یافته) و جنوب (کشورهای در حال توسعه) می‌گردد و عده‌ای دیگر حمایت از این حقوق را موجب گسترش شکاف مذکور می‌دانند.[۴] برای بررسی صحت و سقم این اختلافات نظری باید دید که تحقیقات تجربی به چه یافته‌هایی رسیده‌اند. در قسمت بعد به نتایج این تحقیقات اشاره می‌شود.

تأثیر حقوق مالکیت فکری بر انتقال تکنولوژی: تحقیقات تجربی

درباره تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر انتقال تکنولوژی به سه شیوه عمده تجارت (صادرات محصولات پیشرفته)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس مطالعات تجربی بسیاری انجام گرفته است.[۵] در اینجا اشاره به یکایک این مطالعات میسر نیست ولی از بررسی مطالعات مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که حمایت از حقوق مالکیت فکری در مجموع تأثیری مثبت بر انتقال تکنولوژی به سه شیوه عمده تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس دارد. با این حال، این تأثیرگذاری به گونه‌ای ساده و یکدست صورت نمی‌گیرد و عوامل و ملاحظات دیگری به این تأثیرگذاری جهت می‌دهند. اولاً، از آنجا که شرکتهای خارجی در تجارت و صدور کالا از بیشترین کنترل و امنیت خاطر در مورد کالا و تکنولوژی خود برخوردارند و این کنترل و امنیت خاطر به ترتیب در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس کمتر می‌شود، افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری با کاهش امکان تقلید و سوء استفاده باعث می‌شود که شرکتهای خارجی از تجارت و صدور کالا به سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سپس اعطای لیسانس گرایش یابند. بدین ترتیب، حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند باعث تغییر شیوه انتقال تکنولوژی شود.

ثانیاً، بسته به سطح پیشرفت یک فعالیت اقتصادی و سطح پیشرفت یا پیچیدگی یک صنعت یا محصول، تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند متفاوت باشد. مطالعات مذکور نشان می‌دهند که از یک سو در مراحل عالیت تولید، حساسیت نسبت به حقوق

مالکیت فکری افزایش می‌یابد و در زمینه تولید و تحقیق و توسعه بیشترین حساسیت ولی در زمینه فروش و توزیع کمترین حساسیت در مورد حقوق مالکیت فکری وجود دارد و از سوی دیگر بخشها و صنایع دارای تکنولوژی و دانش پیشرفته‌تر - مثل تولید دارو، لوازم آرایشی و محصولات بهداشتی؛ محصولات شیمیایی؛ ماشین‌آلات و تجهیزات؛ الکترونیک و رایانه؛ و لوازم برقی - در مقایسه با بخشها و صنایع دارای تکنولوژی ساده‌تر - مانند پوشاک و منسوجات، سرهم‌بندی الکترونیک، توزیع و هتلداری - حساسیت بیشتری در مورد حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهند. بر همین اساس نیز گفته شده است که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها باعث افزایش میزان سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی بلکه باعث افزایش کیفیت آن و انتقال پیشرفته‌ترین تکنولوژیها می‌گردد.

ثالثاً، اهمیت مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری برای بخشها یا صنایع مختلف تفاوت دارد. برای مثال، حمایت از حق اختراع برای صنایعی مثل تولید محصولات شیمیایی، دارو، موتور و توربین، الکترونیک یا تجهیزات صنعتی اهمیت زیادی دارد، ولی در حوزه‌هایی مثل چاپ و نشر، آثار سمعی - بصری، نرم‌افزار یا پخش رادیو - تلویزیونی، حمایت از حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی لازم است. یا گفته می‌شود که افزایش حمایت از علایم تجاری (نام و شهرت) بویژه باعث افزایش واردات محصولات مبتنی بر تکنولوژی نسبتاً پایین - مثل پوشاک و سایر محصولات مصرفی - می‌شود، حال آن که حمایت از حق اختراع برای محصولات مبتنی بر تکنولوژی پیشرفته‌تر اهمیت بیشتری دارد. همچنین، گفته می‌شود که در صنایع شیمیایی یا بیوتکنولوژیک که نوآوری در زمینه فرایندها^۱ بیشتر است، حمایت از اسرار تجاری یا اطلاعات افشا نشده بر حمایت از حق اختراع ترجیح داده می‌شود. برای ثبت اختراع باید اطلاعات فنی مربوط به آن افشا و عرضه شود و این امر برای نوآوریهای مربوط به فرایندها مثل فرایندهای بیوتکنولوژیک که نسبتاً براحتی قابل تقلید هستند و حفاظت از آنها دشوارتر از حفاظت از نوآوریهای مربوط به محصولات

است مناسب نیست. بعلاوه، ثبت اختراع هزینه زیادی هم دارد. طرحهای صنعتی^۱ هم برای بخشها یا کالاهای مصرفی مثل پوشاک، مبلمان، خودروسازی یا الکترونیک حایز اهمیت است. و مدلهای کاربردی^۲ یا اختراعات کوچک^۳ به نوآوریهای کوچک مربوط می‌شود- در مقابل حق اختراع که به نوآوریهای بزرگ مربوط می‌شود- و به همین دلیل برای کشورهای در حال توسعه مناسب است که نوآوریهای کوچک در آنها بیشتر دیده می‌شود. مدلهای کاربردی در مقایسه با حق اختراع معمولی مستلزم نوآوری کمتر و متضمن مدت حمایت کوتاهتر است. بعلاوه، هزینه ثبت مدلهای کاربردی، به دلیل کوتاهتر بودن بررسی ماهوی آنها، کمتر است. این ویژگیها مدلهای کاربردی را برای کشورهای در حال توسعه و شرکتهای کوچک و متوسط جذابتر می‌سازد.[۶]

از طرف دیگر، اگر چه حمایت از حقوق مالکیت فکری یکی از عوامل مهم در افزایش انتقال تکنولوژی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس است، ولی عوامل بسیار دیگری هم در انتقال تکنولوژی به شیوه‌های مختلف آن دخیل هستند که می‌توانند تأثیر حقوق مالکیت فکری را تقویت یا نقش برآب سازند. به همین دلیل، برای جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها به حقوق مالکیت فکری بلکه به عوامل دخیل دیگر نیز باید توجه نمود و فضای کلان کشور را مساعد ساخت. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- ثبات و امنیت؛
- ۲- زیرساختهای لازم حقوقی و نهادی (اجرا) و انسانی (نیروی انسانی ماهر) و فیزیکی (مثل ارتباطات)؛
- ۳- شفافیت و کارایی نظام حقوقی؛ جامع و روشن و قابل دسترس بودن قوانین، وجود نهادها و ابزارهای اداری و حقوقی کارآمد از جمله وجود دادگاههای کارآمد؛
- ۴- سطح توسعه اقتصادی کشورها؛ هرچه سطح توسعه بیشتر باشد، اهمیت و تأثیر

1- industrial designs
2-utility models
3- petty patents

حقوق مالکیت فکری در زمینه انتقال تکنولوژی به سه شیوه مذکور بیشتر خواهد بود؛

۵- استراتژی توسعه، جهت‌گیری تجاری و ساختار موانع تجاری: از یک طرف، در نظام‌های اقتصادی بسته، حمایت از حقوق مالکیت فکری ممکن است خیلی روی توسعه نوآوری تأثیر نگذارد، زیرا شرایط رقابتی کافی برای تشویق نوآوری وجود ندارد و به عبارت دیگر تأثیر مثبت حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی در کشورهای دارای اقتصاد بازتر بیشتر است و از طرف دیگر، تعرفه‌های گمرکی پایین هم باعث جذابیت صادرات گشته ولی بالا بودن آنها می‌تواند باعث گرایش به تولید در محل از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا اعطای لیسانس شود.

۶- توانایی تقلید کشورها: هرچه توانایی تقلید بیشتر باشد، اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت فکری در زمینه انتقال تکنولوژی به سه شیوه مذکور بیشتر خواهد بود؛

۷- اندازه بازار و جمعیت: جذابیت افزایش تقاضا و صرفه‌های مقیاس؛

۸- تولید ناخالص داخلی سرانه یا قدرت خرید مردم؛

۹- هزینه عوامل تولید از جمله نیروی کار؛

۱۰- هزینه حمل و نقل: پایین بودن این هزینه‌ها باعث جذابیت صادرات ولی بالا بودن آن می‌تواند باعث گرایش به تولید در محل از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا اعطای لیسانس شود؛

۱۱- وفور منابع؛

۱۲- سطح مالیاتها: برای مثال، پایین بودن مالیات بر درآمد شرکتها می‌تواند باعث تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود و برعکس؛

۱۳- مقررات سرمایه‌گذاری و مشوقهای تولیدی؛

۱۴- مقررات رقابتی: تشویق رقابت باعث تشویق انتقال تکنولوژی پیشرفته‌تر و کاهش قیمتها می‌شود؛

۱۵- خصوصی‌سازی و اندازه بخش خصوصی: ایجاد فرصتهایی برای دستیابی به تسهیلات تولیدی داخلی؛

۱۶- فساد: ترس از عدم رسیدگی کافی به شکایتهای حقوقی مثلاً در صورت نقض حق

اختراع.

بدین ترتیب، در سیاستگذاری برای توسعه نوآوری و انتقال تکنولوژی نه تنها حقوق مالکیت فکری بلکه عوامل دخیل دیگر را هم باید در مدنظر قرار دهیم، وگرنه آثار متعارض آنها ممکن است اهداف ما را نقش بر آب سازند.

در سیاستگذاری در مورد حقوق مالکیت فکری هم با توجه به یکسان نبودن تأثیر و اهمیت حقوق مالکیت فکری و مصادیق گوناگون آن در بخشها و صنایع مختلف، پس از تعیین اولویتهای کشور در حوزههای مختلف می‌توان با تغییر عناصر زیر به تنظیم سیاست یا رژیم حقوق مالکیت فکری کشور پرداخت:

۱- نحوه کسب و حفظ حقوق مالکیت فکری:

الف- محدود کردن امکان ثبت یا حمایت به حوزه‌ها یا بخشهای خاصی: اعطای حمایت به بخشها یا مقوله‌های مطلوب ولی اعطای حمایت محدود یا عدم اعطای حمایت به سایرین (مثل مناسب بودن حمایت از مدل‌های کاربردی برای کشورهای در حال توسعه برای تشویق نوآوریهای کوچک آنها)؛

ب- مدت حمایت: اعطای مدت حمایت کمتر به بخشهای نامطلوب و برعکس؛

پ- تعیین شرایط خاصی برای ثبت یا اعطای حمایت: از جمله تعیین استثنائات و محدودیتهایی مثل استثنائات ثبت اختراع؛

ت- محدود کردن حقوق انحصاری صاحبان حقوق مالکیت فکری و جلوگیری از سوء استفاده آنها از حقوق انحصاری خود: از جمله از طریق تسهیل رقابت، کنترل رویه‌های ضد رقابتی در قراردادهای ليسانس، مجوزهای اجباری، استفاده‌های مجاز بدون لزوم کسب اجازه (مثل استفاده‌های غیرتجاری: تحقیقاتی، آموزشی، شخصی و غیره).

۲- نحوه اجرا: تعیین مجازاتهای مختلف برای حوزه‌های مختلف براساس میزان تمایل به حمایت از آنها.

بسته به این که بخواهیم از چه بخش یا حوزه‌ای حمایت بکنیم یا نکنیم، با تغییر عناصر بالا در حوزه‌های مختلف می‌توان باعث تشویق یا تحدید آنها شد.

مطالب بالا نشان می‌دهد که برای همه کشورها نمی‌توان نسخه واحدی پیچید و هر

کشوری با توجه به شرایط خاص آن احتیاج به نسخه خاصی دارد. بعلاوه، در تدوین رژیم یا سیاست حقوق مالکیت فکری کشور همواره باید به این نکته توجه نمود که این رژیم یا سیاست ضمن تشویق نوآوری باید جلوی سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری از جمله از طریق رویه‌های ضدرقابتی را بگیرد. برای این منظور، کشورها استثنائات و محدودیتهایی معقول، امکان صدور مجوز اجباری و امکان اتخاذ اقدامات لازم برای مقابله با رویه‌های ضدرقابتی را وضع کرده‌اند. در قسمت بعد به مفاد موافقت‌نامه تریپس درباره انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضدرقابتی خواهیم پرداخت. اگرچه این موافقت‌نامه متضمن چارچوب بین‌المللی رایج برای هماهنگ نمودن استانداردهای حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی است، ولی باز هم در این موافقت‌نامه جای زیادی برای انطباق استانداردهای مذکور با شرایط داخلی کشورها وجود دارد.

موافقت‌نامه تریپس: انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضدرقابتی

در موافقت‌نامه تریپس از یک طرف مواد بسیاری وجود دارد که در آنها استثنائات و محدودیتهایی برای حقوق انحصاری صاحبان حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده است [۷] و از طرف دیگر مفادی وجود دارد که صریحاً به لزوم انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضدرقابتی اشاره و حق اتخاذ اقدامات مقتضی در این زمینه را به اعضا اعطا و شرایط آن را مشخص نموده است. در سطور زیر به مفاد این موافقت‌نامه درباره انتقال تکنولوژی و بویژه مقابله با رویه‌های ضدرقابتی می‌پردازیم.

همان‌طور که می‌دانیم، استفاده از حقوق مالکیت فکری می‌تواند به بروز رفتارهای ضدرقابتی - چه از طرف یک شرکت یا از طریق هماهنگی و توافق چند شرکت - منجر شود. این رفتارها یا رویه‌های ضدرقابتی می‌توانند به سه شکل عمده ظاهر شوند: ۱- سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری به گونه‌ای مغایر با اهداف و شرایط حمایت از این حقوق، ۲- استفاده از حقوق مالکیت فکری به گونه‌ای که تجارت را محدود سازد، و ۳- استفاده از حقوق مالکیت فکری به گونه‌ای که تأثیر منفی بر انتقال یا انتشار تکنولوژی یا دانش بگذارد. برای تضمین عملکرد کارآمد نظام مالکیت فکری، وضع قوانین و اتخاذ

سیاستهای مناسبی برای جلوگیری از این رویه‌های ضد رقابتی از اهمیتی اساسی برخوردار است. کشورها در قالب یک قانون خاص در مورد رقابت یا مبارزه با انحصار و یا به عنوان بخشی از قوانین دیگر می‌توانند به تصویب قوانینی در این زمینه بپردازند. در موافقت‌نامه تریپس نیز مفادی وجود دارد که به کشورها اجازه اتخاذ اقدامات لازم برای مقابله با رویه‌های ضد رقابتی را اعطا کرده است. در مذاکرات دور اروگوئه، کشورهای صنعتی که مقررات جاافتاده‌ای در مورد کنترل رویه‌های ضد رقابتی در زمینه حقوق مالکیت فکری داشتند، تمایلی به تصویب مفادی در این زمینه در چارچوب موافقت‌نامه تریپس نداشتند و بیشتر روی تصویب استانداردهای ماهوی حمایت از حقوق مالکیت فکری تأکید می‌کردند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه روی تصویب مفادی برای مقابله با رویه‌های ضد رقابتی در موافقت‌نامه تریپس اصرار می‌ورزیدند. در سطور زیر به این مفاد از جمله مفاد مربوط به انتقال تکنولوژی می‌پردازیم. [۸]

در مقدمه و مواد ۸ و ۷ موافقت‌نامه تریپس اهداف و اصول کلی این موافقت‌نامه آمده است. طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، مقدمه هر موافقت‌نامه جزئی از آن است و هر موافقت‌نامه باید در پرتو موضوع و هدف آن تفسیر شود. [۹] بنابر این، از مفاد مذکور موافقت‌نامه تریپس می‌توان به عنوان یکی از منابع تفسیر مواد این موافقت‌نامه استفاده کرد. در شق «الف» بند ۵ «بیانیه دوحه درباره موافقت‌نامه تریپس و بهداشت عمومی» (۲۰۰۱) هم تصریح شده است که هر یک از مفاد موافقت‌نامه تریپس باید در پرتو موضوع و هدف آن بدان گونه که در این موافقت‌نامه آمده است تفسیر شود. [۱۰]

معمولاً در مقدمه یک موافقت‌نامه به حقوق یا تعهدات خاص و مشخصی اشاره نمی‌شود و قصد و هدف طرفهای موافقت‌نامه ذکر می‌شود. این مسأله در مورد موافقت‌نامه تریپس هم صادق است و در بسیاری از مواد این موافقت‌نامه جایی برای تفسیر وجود دارد که مقدمه موافقت‌نامه می‌تواند به تفسیر آن مواد کمک کند. در رابطه با موضوع مقاله حاضر، به نظر می‌رسد که مقدمه موافقت‌نامه تریپس از جمله از جهات زیر قابل استفاده است:

۱- در بند اول مقدمه آمده است که هدف اصلی موافقت‌نامه عبارت است از «کاهش

انحرافات و موانع تجارت بین‌الملل». بنابر این، حمایت از حقوق مالکیت فکری به خودی خود یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به یک هدف دیگر است. در مقدمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت هم به هدف این سازمان اشاره شده است: ارتقای سطح زندگی و توسعه اقتصادی اعضا... قاعدتاً، موافقت‌نامه تریپس هم باید تابع این هدف باشد، چرا که این موافقت‌نامه یکی از ضمیمه‌های موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و جزئی از نظام حقوقی این سازمان است. بدین ترتیب، هدف این سازمان و از جمله موافقت‌نامه تریپس عبارت است از ارتقای تجارت و توسعه اقتصادی اعضا و نه حمایت از منافع خصوصی گروه‌های خاص، کما این که در بند اول مقدمه موافقت‌نامه تریپس هم تأیید شده است که اقدامات و رویه‌های اجرای حقوق مالکیت فکری ممکن است به مانعی برای تجارت مشروع تبدیل شوند.

۲- بند پنجم مقدمه موافقت‌نامه تریپس «اهداف سیاست‌های عمومی اساسی در نظام‌های ملی برای حمایت از مالکیت فکری از جمله اهداف توسعه‌ای و تکنولوژیک» را تأیید کرده است. این اهداف در مواد ۷ و ۸ موافقت‌نامه بیشتر مورد اشاره قرار گرفته‌اند که در سطور زیر به آنها پرداخته خواهد شد.

۳- در بند ششم مقدمه به ضرورت «حداکثر انعطاف» به نفع کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی به منظور قادر ساختن آنها به ایجاد یک زیربنای تکنولوژیک سالم و پایدار اشاره شده است. این مسأله به طور اخص در ماده ۶۶ موافقت‌نامه هم ذکر شده است. ماده ۶۶ ضمن اعطای مهلتی طولانی‌تر به این کشورها برای اجرای مفاد موافقت‌نامه، کشورهای توسعه‌یافته را مکلف ساخته است که انگیزه‌هایی را برای بنگاهها و مؤسسات واقع در قلمرو خود به منظور پیشبرد و تشویق انتقال تکنولوژی به کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی ایجاد کنند تا این کشورها بتوانند یک زیربنای تکنولوژیک سالم و پایدار به وجود آورند. البته در این ماده کم و کیف این تکلیف مشخص نشده و به همین دلیل به نظر می‌رسد که این مسأله تا حد زیادی به تشخیص خود کشورهای توسعه‌یافته واگذار شده است، ولی به هر حال روشن است که چنین تکلیفی وجود دارد و باید اجرا شود. با این حال، پس از تصویب «تصمیم دوحه درباره مسائل مرتبط با اجرا» (۲۰۰۱)[۱۱]، شورای

تریپس در ۱۹ فوریه ۲۰۰۳ تصمیمی در مورد اجرای بند ۲ ماده ۶۶ اتخاذ نمود که کشورهای توسعه‌یافته را مکلف می‌سازد که در مورد اقدامات و برنامه‌های خود برای اجرای بند ۲ ماده ۶۶ گزارش دهند. در این گزارشها باید اطلاعات مشخص و دقیقی ارائه شود و این گزارشها باید سالیانه اصلاح گردند و هر سه سال یک بار باید گزارش مفصل جدیدی ارائه شود. این گزارشها در شورای تریپس بررسی می‌شوند و سایر اعضا می‌توانند پرسشهای خود را مطرح و اطلاعات دیگری را درخواست کنند. خود این سازوکار هم قرار بود پس از سه سال به منظور ایجاد اصلاحات لازم به وسیله شورای تریپس بررسی شود. این تصمیم گام مهمی برای عملیاتی ساختن بند ۲ ماده ۶۶ بود و تا حد زیادی آزادی عمل کشورهای توسعه‌یافته را محدود می‌ساخت. شایان ذکر است که در بند ۳۷ «بیانیه وزیران دوحه» نیز اعضا با تشکیل یک «گروه کاری در مورد تجارت و انتقال تکنولوژی» موافقت کردند تا با بررسی رابطه تجارت و انتقال تکنولوژی به ارائه توصیه‌هایی در مورد اقدامات لازم برای افزایش انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه در چارچوب صلاحیت سازمان جهانی تجارت بپردازد.

در ماده ۷ موافقت‌نامه تریپس با عنوان «اهداف» چنین آمده است: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به ارتقای نوآوری تکنولوژیک و انتقال و انتشار تکنولوژی و استفاده متقابل تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دانش فنی کمک کند و به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اجتماعی و اقتصادی و ایجاد توازن بین حقوق و تعهدات منجر شود». همان‌طور که قبلاً گفته شد، این ماده که هدف موافقت‌نامه تریپس را مشخص می‌کند باید در تفسیر سایر مواد این موافقت‌نامه مورد استفاده قرار گیرد. در این ماده، ضمن تأیید لزوم انتقال تکنولوژی، روشن شده است که این موافقت‌نامه فقط در پی حمایت از حقوق صاحبان داراییهای فکری نیست بلکه در پی ایجاد توازنی است که در نهایت به ارتقای رفاه اجتماعی و اقتصادی بینجامد.

در ماده ۸ موافقت‌نامه تریپس هم که به عنوان یک «اصل» معرفی شده است، پس از تأیید حق اعضا برای اتخاذ اقدامات لازم جهت حفظ بهداشت و تغذیه عمومی و همین‌طور پیشبرد منافع عمومی در بخشهای حایز اهمیت حیاتی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی

و تکنولوژیک، در بند دوم آمده است که اعضا برای جلوگیری از موارد زیر می‌توانند اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند:

۱- سوء استفاده صاحبان حقوق مالکیت فکری،

۲- توسل به رویه‌هایی که به گونه‌ای غیرمعقول تجارت را محدود می‌سازند،

۳- توسل به رویه‌هایی که روی انتقال بین‌المللی تکنولوژی تأثیری منفی می‌گذارند. [۱۲]

از آنجا که این ماده با عنوان «اصل» آمده است، با یک قاعده یا مقررره خاص و مشخص فرق می‌کند و اعضا به شرط سازگاری با مفاد دیگر موافقت‌نامه تریپس و متناسب بودن اقدام خود می‌توانند مصادیق سه رویه مذکور را تعیین و جلوی آنها را بگیرند. این آزادی عمل با توجه به اهداف موافقت‌نامه تریپس نیز که در ماده ۷ ذکر شده‌اند قابل توجیه به نظر می‌رسد.

براین اساس، اعضا می‌توانند مصادیق «سوء استفاده صاحبان حقوق مالکیت فکری» را مشخص کنند- چه سوء استفاده‌کننده بر بازار سلطه داشته یا نداشته باشد و چه استفاده ضدرقابتی مطرح باشد یا موارد ساده‌ای مثل عدم استفاده از علائم تجاری یا عدم اعطای لیسانس در مورد اختراعات ثانوی... و از طرف دیگر، از آنجا که در خود بند ۲ ماده ۸ تعریفی برای این رویه ارائه نشده است، این «سوء استفاده» قاعدتاً باید به معنای «رویه‌های نامشروع یا مغایر با فلسفه و اهداف حمایت از حقوق مالکیت فکری» باشد.

به همین نحو، مصادیق «رویه‌هایی که به گونه‌ای غیرمعقول تجارت را محدود می‌سازند» نیز فقط به رویه‌های ضدرقابتی محدود نمی‌شود بلکه هرگونه رویه‌ای را در برمی‌گیرد که به گونه‌ای «غیرمعقول» تجارت را محدود سازد. بدین طریق، موافقت‌نامه ضمن جلوگیری از رویه‌های غیرمعقول، مانع از آن می‌شود که اعضا برای رویه‌هایی که ماهیتاً مفید هستند- مثل مفادی از قراردادها که می‌تواند استفاده سودمند از حقوق مالکیت فکری را تسهیل کند- محدودیت ایجاد کنند. تفکیک این دو نوع رویه همیشه راحت نیست، ولی برخی نمونه‌های رویه‌های مفید عبارتند از شروط قراردادی مربوط به حفاظت از اسرار تجاری، منع استفاده از اختراعات و دانش فنی تحت لیسانس بعد از انقضای مدت لیسانس، یا

مشروط نمودن اعطای یک لیسانس فرعی از طرف دریافت کننده یک لیسانس به رضایت اعطاکننده لیسانس اصلی.

سرانجام ، اعضا مصادیق «رویه‌هایی که روی انتقال بین‌المللی تکنولوژی تأثیری منفی می‌گذارند» را نیز می‌توانند به طور وسیع تعیین کنند، بخصوص که در ماده ۷ موافقت‌نامه هم انتقال تکنولوژی به عنوان یکی از اهداف موافقت‌نامه مطرح شده است. بنابر این، رویه‌هایی هم که ضد رقابتی نیستند ولی تأثیری منفی روی انتقال تکنولوژی می‌گذارند، می‌توانند مشمول قوانین و مقررات ملی خاصی قرار گیرند. بعلاوه، بند ۲ ماده ۸ بروشنی نه تنها رویه‌های قراردادی مؤثر بر انتقال بین‌المللی تکنولوژی بلکه رویه‌های یکجانبه (مثل خودداری از اعطای لیسانس) را هم دربرمی‌گیرد.

نکته آخر این که به طور کلی بند ۲ ماده ۸ فقط به رویه‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری مربوط می‌شود، نه به موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات وسیعتری که ممکن است شامل حقوق مالکیت فکری هم بشوند ولی طبق اصول کلی قانون رقابت معمولاً تحت عنوان مقوله‌های دیگری مطرح می‌شوند. برای مثال، کنترل ادغامها یا خرید و فروش شرکتها مقوله‌ای جدا از حقوق مالکیت فکری است، ولو این که ادغام شرکتها با انعقاد توافقات جانبی در مورد اعطای لیسانس همراه باشد. به همین نحو، اگر استفاده یا بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری فقط به طور غیرمستقیم از رویه‌های ضد رقابتی - مثل عقد موافقت‌نامه‌هایی بین رقبا در مورد قیمت محصولات خود- متأثر شود، کاربرد بند ۲ ماده ۸ جای تردید دارد. ولی در مواردی مثل موافقت‌نامه‌های مربوط به تقسیم سرزمینی بازارها بین رقبا، قضیه پیچیده‌تر می‌شود. در این گونه موارد به نظر می‌رسد که چنانچه یک موافقت‌نامه حول حقوق مالکیت فکری متمرکز باشد، بند ۲ ماده ۸ می‌تواند اعمال شود و در غیر این صورت نمی‌تواند اعمال شود، چرا که به هر حال موافقت‌نامه تریپس به حقوق مالکیت فکری مربوط می‌شود نه به قانون رقابت. با این حال، باید صریحاً گفته شود که یک رویه محدودکننده مرتبط با حقوق مالکیت فکری را صرفاً به این دلیل نمی‌توان از بند ۲ ماده ۸ مستثنی ساخت که جزئی از یک معامله یا موافقت‌نامه وسیعتر است. این به قوانین رقابتی کشورها بستگی دارد که شامل یک رویه خاص در چارچوب یک موافقت‌نامه

بشوند یا نشوند.

ماده دیگری که به انتقال تکنولوژی و رویه‌های ضدرقابتی مربوط می‌شود، ماده ۴۰ با عنوان «کنترل رویه‌های ضدرقابتی در قراردادهای اعطای لیسانس» است. در بند ۱ این ماده تأیید شده است که برخی از رویه‌ها یا شرایط اعطای لیسانس در رابطه با حقوق مالکیت فکری که رقابت را محدود می‌سازد ممکن است تأثیری سوء بر تجارت داشته و جلوی انتقال و انتشار تکنولوژی را بگیرد. (باید توجه داشت که حرف ربط «و» در این بند به معنای فصلی^۱ (مثل حرف ربط «یا») - نه به معنای وصلی^۲ - به کار رفته است، زیرا این بند به آن دسته از قراردادهای لیسانس مالکیت فکری هم که به انتقال تکنولوژی ربطی ندارند مربوط می‌شود.) در بند ۲ ماده مذکور نیز به اعضا این حق داده شده است که به وضع قوانین و اتخاذ اقدامات مقتضی برای کنترل یا جلوگیری از این گونه رویه‌ها یا شرایط پردازند. به نظر می‌رسد که در مقایسه با ماده ۸ که خصلتی عام و کلی دارد، ماده ۴۰ خصلتی خاص و جزئی دارد، چرا که حوزه شمول ماده ۸ محدودتر از ماده ۴۰ است و فقط به رویه‌های محدودکننده رقابت در قراردادهای اعطای لیسانس مربوط می‌شود. همین امر حاکی از آن است که این ماده به رویه‌های محدودکننده در سایر معاملات تجاری - مثل واگذاریها^۳، سرمایه‌گذاری مشترک، پیمانکاری فرعی^۴ و برونیابی یا برونسپاری^۵، یا موافقت‌نامه‌های رفع تعارض حقوق مالکیت فکری مختلف - مربوط نمی‌شود، صرف‌نظر از این که این رویه‌ها چقدر با حقوق مالکیت فکری یا انتقال تکنولوژی ارتباط داشته باشند. البته از آنجا که اعطای لیسانس ممکن است در چارچوب یکی از معاملات مذکور رخ دهد، ماهیت کلی معامله را باید از ماهیت عمده محدودیت مورد نظر جدا ساخت. این که یک رویه ضدرقابتی برای اعطای لیسانس، در چارچوب یک معامله وسیعتر - مثل معاملات مربوط به ادغام و خرید شرکتها - قرار داشته باشد جلوی پرداختن مراجع و قانونگذاران ملی به آن رویه را نمی‌گیرد و در عمل مراجع ملی معمولاً این گونه رویه‌ها را

1 - alternative
2 - cumulative
3 - assignments
4 - sub- contracting
5 - outsourcing

مورد توجه قرار داده‌اند.

از طرف دیگر، برخلاف خصلت کلی ماده ۸، ماده ۴۰ فقط به رویه‌های «ضد رقابتی» - نه سایر رویه‌های اعطای لیسانس - مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، این ماده فقط شامل آن دسته از رویه‌های اعطای لیسانس می‌شود که رقابت را محدود می‌سازند و در عین حال تأثیری منفی بر تجارت گذاشته یا جلوی انتقال و انتشار تکنولوژی را می‌گیرند.

نکته دیگر این است که بند ۱ ماده ۴۰ هرگونه اعطای لیسانس حقوق مالکیت فکری تابع موافقت‌نامه ترپیس را دربرمی‌گیرد، ولو این که اکثر رویه‌های مذکور در بند ۲ ماده ۴۰ به حق اختراع یا احتمالاً علایم تجاری مربوط شوند. حداقل دلیلی که برای این تفسیر می‌توان ذکر کرد این است که ماده ۴۰ (با عنوان «بخش ۸: کنترل رویه‌های ضد رقابتی در قراردادهای اعطای لیسانس») جزئی از قسمت دوم موافقت‌نامه ترپیس با عنوان «قسمت ۲: استانداردهای مربوط به قابلیت دسترسی، حوزه شمول و کاربرد حقوق مالکیت فکری» است که شامل کاربرد کلیه حقوق مالکیت فکری می‌شود.

بالاخره، بند ۱ ماده ۴۰ با اشاره به هر دو واژه «رویه‌ها» یا «شرایط» اعطای لیسانس روشن ساخته است که این ماده به کلیه جوانب اعطا و اجرای قراردادهای اعطای لیسانس مربوط می‌شود و این ماده می‌تواند شامل مسائلی مثل عدم اعطای لیسانس، اعطای لیسانس به گونه‌ای تبعیض آمیز، یا هرگونه شرط محدودکننده به طور کلی گردد. [۱۳]

مفاد مربوط به مجوزهای اجباری^۱ نیز به انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی کمک می‌کنند. در موافقت‌نامه ترپیس علاوه بر موادی که استثنائات و محدودیتهایی برای حقوق انحصاری صاحبان حقوق مالکیت فکری در نظر گرفته (مثل بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۷، مفاد مربوط به استثنائات عمومی یا امنیتی و یا اجازه استفاده‌های غیرتجاری) یا حق ایجاد استثنائات محدودی را به اعضا داده است (مثل مواد ۱۳، ۱۷، ۲۶ و ۳۰)، در ماده ۳۱ (و به طور محدودتر درباره طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه در ماده ۳۷) به مجوزهای اجباری اشاره شده است که به انتقال تکنولوژی و مقابله با رویه‌های ضد رقابتی کمک زیادی می‌کند.

1 - compulsory licenses

طبق ماده ۳۱، اعضا در قوانین خود ممکن است اجازه استفاده‌های دیگر - از جمله استفاده دولت یا اشخاص ثالث مجاز از طرف دولت - از حق اختراع بدون کسب اجازه از صاحب آن حق را اعطا کنند. در این ماده، اصطلاح «مجوز اجباری» به کار نرفته و اصطلاح «استفاده‌های دیگر» به کار رفته که مجوز اجباری فقط یکی از مصادیق آن است. از طرف دیگر، در ماده مذکور، کلیه موارد «استفاده‌های دیگر» مشخص نشده و به عنوان مثال، یک عضو می‌تواند مقرر دارد که اگر یک محصول مشمول حق اختراع با قیمت مناسب در بازار داخلی عرضه نشود برای تأمین آن محصول با قیمت مناسب در بازار داخلی می‌توان مجوز اجباری اعطا نمود. بعلاوه، اگر چه در ماده مذکور کلیه موارد «استفاده‌های دیگر» مشخص نشده ولی اشاره شده است که این استفاده‌ها منوط به برآورده ساختن شرایط خاصی است و مثلاً در برخی موارد باید قبلاً با صاحب حق، مذاکره صورت گرفته یا بعداً پرداختی کافی به وی انجام گیرد. در شقوق «ب» و «پ» بند ۵ «بیانیه دوحه درباره موافقت‌نامه تریپس و بهداشت عمومی» (۲۰۰۱) نیز ضمن تأیید حق اعطای مجوزهای اجباری، به اعضا این حق داده شده است که خودشان شرایط اعطای مجوز اجباری و همچنین شرایط اضطرار ملی یا سایر شرایط حایز فوریت فوق‌العاده را مشخص کنند. [۱۴]

به هر حال، در خود ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس و در شقوق ۲ و ۴ قسمت «الف» ماده ۵ کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی - که به مجوزهای اجباری مربوط می‌شود و رعایت آن طبق بند ۱ ماده ۲ موافقت‌نامه تریپس برای اعضای سازمان جهانی تجارت هم الزامی است - از باب مثال به چند مورد زیر اشاره شده است که اعضا در این موارد می‌توانند به اعطای مجوز اجباری بپردازند:

۱- سوء استفاده از حقوق انحصاری (از جمله عدم استفاده از حق اختراع)

۲- اضطرار ملی یا سایر شرایط حایز فوریت فوق‌العاده

۳- استفاده عمومی غیرتجاری

۴- جبران رویه‌های ضدرقابتی

۵- استفاده از اختراعات وابسته به اختراعات دیگر.

در بند ۲ ماده ۱۱ دوم و بند ۱ ماده ۱۳ و همچنین در پیوست کنوانسیون برن برای

حمایت از آثار ادبی و هنری نیز به مجوزهای اجباری اشاره شده است که رعایت آنها طبق بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس برای اعضای سازمان جهانی تجارت هم الزامی است. [۱۵]

سرانجام، مسأله دیگری که در موافقت‌نامه تریپس به موضوع رقابت و سوء استفاده از حقوق انحصاری صاحبان داراییهای فکری مربوط می‌شود، مسأله «خاتمه حقوق»^۱ یا واردات موازی^۲ است که در ماده ۶ موافقت‌نامه به آن اشاره شده است. این مسأله نقش بسیار مهمی در شیوه تأثیرگذاری حقوق مالکیت فکری بر تجارت بین‌المللی کالا و خدمات دارد. همان طور که می‌دانیم، حقوق مالکیت فکری به صاحبان این حقوق، حقوقی انحصاری اعطا می‌کند که می‌توانند بر آثار و کالاهای خود و مبادله آنها کنترل داشته باشند. اصل یا دکرین خاتمه حقوق نشان می‌دهد که این کنترل و حقوق انحصاری در کجا پایان می‌یابد. از این جهت، اصل خاتمه حقوق برای نقل و انتقال آزاد کالا و خدمات اهمیت زیادی دارد و بدون آن، صاحبان حقوق مالکیت فکری برای مدتی طولانی سلطه و کنترل زیادی بر کالاها و خدمات مشمول این حقوق و در نتیجه زندگی اقتصادی خواهند داشت.

حقوق مالکیت فکری معمولاً با «اولین فروش» یا «عرضه به بازار» خاتمه می‌یابد. [۱۶] این بدین معناست که هرگاه صاحب حق با فروش یا عرضه کالا یا خدمات خود توانست به منافع اقتصادی خود دست یابد، خریدار یا دریافت‌کننده این کالا یا خدمات می‌تواند آن را بدون هرگونه محدودیتی فروخته یا از آن استفاده کند. برای مثال، اگر یک بطری نوشابه را از شرکت تولیدکننده آن بخریم، شرکت مذکور نمی‌تواند ما را از مصرف آن نوشابه یا فروش آن به یک فرد دیگر باز دارد، گو این که حق ساختن آن نوشابه یا استفاده از علامت تجاری آن یا اعطای لیسانس علامت تجاری آن به دیگران را نداریم. از نظر تجارت بین‌المللی، مسأله خاتمه حقوق می‌تواند به سه شکل ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی مطرح شود. از آنجا که حقوق مالکیت فکری معمولاً به طور مستقل از طرف هر کشوری اعطا می‌شود، صاحب یک حق مالکیت فکری ممکن است در کشورهای متعددی

1- exhaustion

2 - parallel importation

این حق را به ثبت برساند (حقوق موازی). بنابراین این، ممکن است یک کالا در یک کشور فروخته و مشمول خاتمه حقوق گردد ولی در کشور دیگری کماکان حقوق مربوط به آن محفوظ بماند. حال، اگر کشوری مقرر دارد که کالا یا خدمات در صورت فروش یا عرضه در خارج از این کشور مشمول خاتمه حقوق می‌شود، به محض فروش یا عرضه این کالا یا خدمات در خارج از کشور هر فردی می‌تواند آن کالا یا خدمات را وارد کند و صاحبان حقوق مالکیت فکری مربوط به آن کالا یا خدمات نمی‌توانند جلوی این واردات را بگیرند. این گونه واردات را «واردات موازی» و مبادله این کالاها یا خدمات را «تجارت موازی» می‌خوانند. دکترینها یا رژیمهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد خاتمه حقوق به این معنا هستند که به محض فروش یا عرضه اول کالا یا خدمات به ترتیب در یک کشور خاص، در یک منطقه خاص یا در سطح جهانی (در هر نقطه از جهان)، حقوق صاحبان حقوق مالکیت فکری آن کالا یا خدمات خاتمه می‌یابد. انتخاب هریک از این رژیمها تأثیر زیادی روی جابه‌جایی بین‌المللی کالا و خدمات می‌گذارد. رژیم بین‌المللی باعث می‌شود که کالا و خدمات، پس از فروش یا عرضه اول در هر نقطه از جهان، به طور آزادانه جا به جا شود. برعکس، رژیم ملی می‌تواند باعث شود که صاحبان حقوق مالکیت فکری، بازارها را تقطیع و تفکیک کرده و جلوی جابه‌جایی کالا و خدمات را بگیرند.

در مورد مزایا و معایب رژیمهای مختلف در زمینه خاتمه حقوق و در نتیجه اعطا یا سلب حق تفکیک بازارها و در نتیجه تبعیض قیمتی اختلاف نظر زیادی وجود دارد. [۱۷] در مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه تریپس در دور اروگوئه هم همین اختلاف نظر گسترده مانع از توافق در مورد مقررات واحدی در این زمینه شد و سرانجام در ماده ۶ موافقت‌نامه این حق به اعضا داده شد که خودشان رژیم یا مقررات مربوط به خاتمه حقوق را تعیین کنند: «از لحاظ حل اختلافات در چارچوب موافقت‌نامه حاضر، با رعایت مفاد مواد ۳ و ۴ [اصول رفتار ملی و رفتار دولت کامله‌الوداد]، هیچ چیز در این موافقت‌نامه نباید برای پرداختن به موضوع خاتمه حقوق مالکیت فکری به کار رود». این ماده به طور تلویحی و شق «ت» بند ۵ «بیانیه دوحه درباره موافقت‌نامه تریپس و بهداشت عمومی» (۲۰۰۱) به طور صریح اشاره دارند که هریک از اعضا بدون چون و چرا می‌تواند رژیم خاص خود را

درباره خاتمه حقوق وضع کند. [۱۸] ولی اعضا باید اصول رفتار ملی و رفتار دولت کامله‌الوداد را رعایت کنند. رعایت اصل رفتار ملی بدین معناست که یک کشور نمی‌تواند در مورد اتباع خارجی، یک رژیم بین‌المللی ولی در مورد اتباع داخلی، یک رژیم ملی اتخاذ کند، چرا که در این صورت واردات محصولات متضمن حقوق مالکیت فکری خارجی‌ان مجاز گشته ولی واردات محصولات متضمن حقوق مالکیت فکری اتباع داخلی ممنوع می‌شود. این امر باعث می‌شود که اتباع خارجی در مقایسه با اتباع داخلی با رقابت بیشتری از ناحیه محصولات ارزانتر روبرو شوند. رعایت اصل رفتار دولت کامله‌الوداد هم بدین معناست که یک کشور نمی‌تواند در قبال اتباع کشورهای مختلف، رژیمهای مختلفی در زمینه خاتمه حقوق اتخاذ کند.

در ماده ۶ متأسفانه تعریفی برای «خاتمه حقوق» ارائه نشده است و همین ابهام می‌تواند اختلاف برانگیز باشد. بعلاوه، در این مورد اختلاف نظر وجود دارد که آیا ماده ۶ موافقت‌نامه، توسل به نظام حل اختلاف را فقط در رابطه با حقوق مالکیت فکری منع ساخته یا کلاً در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان مسأله خاتمه حقوق را در نظام حل اختلاف مطرح ساخت. همان طور که می‌دانیم، موضوعات مربوط به حقوق مالکیت فکری ممکن است با حوزه‌های دیگر نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت ارتباط یابد. برای مثال، تکنولوژی مورد حمایت حقوق مالکیت فکری ممکن است جزئی از یک استاندارد فنی تابع «موافقت‌نامه موانع فنی تجارت» باشد. در این صورت، سازگاری یک استاندارد فنی با موافقت‌نامه مذکور ممکن است در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مطرح شود. از طرف دیگر، حقوق مالکیت فکری می‌تواند مثل یک سهمیه عمل کند. ممکن است یک عضو ادعا کند که اتخاذ یک رژیم ملی در مورد خاتمه حقوق که امکان جلوگیری از واردات کالا را به صاحبان حقوق مالکیت فکری می‌دهد، با ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ در مورد منع کلی محدودیتهای کمی مغایرت دارد. عده‌ای معتقدند که می‌توان این دعاوی را در نظام حل اختلاف مطرح کرد، ولی عده‌ای دیگر هم معتقدند که موافقت‌نامه تریپس یک موافقت‌نامه خاص و مستقل است و مسأله خاتمه حقوق نمی‌تواند در نظام حل اختلاف مطرح شود. در نظام حل اختلاف نیز دعوایی در این زمینه مطرح نشده است که موضوع را

روشن سازد. با این حال، از آنجا که در نظام حل اختلاف و در قواعد کلی تفسیر معاهدات، روی معنای عادی و روشن کلمات تأکید شده است، با توجه به عبارت «از لحاظ حل اختلاف در چارچوب موافقت‌نامه حاضر» در ماده ۶ به نظر می‌رسد که مسأله خاتمه حقوق را در چارچوب سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌توان در نظام حل اختلاف مطرح کرد. بدین ترتیب، همان طور که در بالا دیدیم، در موافقت‌نامه تریپس، مفاد زیادی وجود دارد که در آنها روی انتقال تکنولوژی تأکید شده و دست اعضا برای مقابله با رویه‌های ضدرقابتی تا حد زیادی باز گذاشته شده است. کشورهای در حال توسعه در تدوین قوانین و سیاست‌های خود درباره حقوق مالکیت فکری باید مفاد مذکور را بخوبی در مدنظر قرار دهند تا جلوی سوء استفاده از این حقوق را بگیرند. شایان ذکر است که در خود کشورهای صنعتی هم با رویه‌های صاحبان حقوق مالکیت فکری برای جلوگیری از پا گرفتن رقبای جدید و افزایش تصنعی قیمت‌ها مقابله می‌کنند. [۱۹]

یادداشتها

1. UNDP 1999,p.68.

2. UNCTAD-ICTSD 2001,p. 44-45.

برای مشاهده آمارهای جدیدتر و تغییر روندها، ر.ک.به:

WIPO 2006.

3. World Bank 2001, p.133.

البته در این گزارش علاوه بر برآورد ایستای مذکور تأکید شده است که حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها روی رشد اقتصادی و نوآوری داخلی حتی در سطوح پایینتر توسعه بلکه روی انتقال تکنولوژی خارجی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس هم تأثیر مثبت زیادی می‌گذارد. در این گزارش پس از تقسیم کشورهای در حال توسعه به سه گروه درآمدی پایین، میانه و بالا، رهنمودها و استانداردهای مناسبی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در هر یک از سه گروه مذکور ارائه شده است که ضمن سازگاری با موافقت‌نامه تریپس، هم رقابت و هم نوآوری را در کشورهای

مذکور تشویق می‌کنند.

۴- برای آشنایی با نظرات مختلف در مورد تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری، از جمله،

ر.ک.به:

Commission on Intellectual Property Rights 2002, p.1 and Park and Lippoldt 2003, p.7 and 2004,p.5.

ویلیام فیشرهم در مقاله زیر به بررسی و نقد چهار رویکرد یا نظریه در باره حقوق مالکیت فکری - نظریه مطلوبیت‌گرایی، نظریه کار، نظریه شخصیت و نظریه برنامه‌ریزی اجتماعی - پرداخته است که روی طیفی از فردگرایی تا جمع‌گرایی قرار می‌گیرند:

Munzer 2001 , chap.6.

۵- برای مثال، ر.ک. به:

Anand and Khanna 2000; Fink and Primo Braga 1999; Fosfuri 2003; Mansfield 1994 and 1995; Maskus 1998a, 1998b and 2000; Maskus and Penubarti 1995; Nicholson 2003a and 2003b; Park and Lippoldt 2003 and 2004; Smarzynska 2004; Smith 1999 and 2001; Thumm 2003 and Yang and Maskus 2001 and 2003.

۶- برای آشنایی با کاربرد مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری در حوزه‌های گوناگون، ر.ک.به

صفحات مختلف دو اثر زیر:

Commission on Intellectual Property Rights 2002 and UNCTAD 2002.

۷- برای آشنایی با این استثنائات و محدودیتها، از جمله، ر.ک.به: بزرگی ۱۳۸۰، ص ۱۹۷-۱۹۵.

۸- برای مطالعه موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت از جمله موافقت‌نامه تریپس، ر.ک.به:

WTO 2002.

برای مطالعه ترجمه فارسی این موافقت‌نامه‌ها، ر.ک.به: دبیرخانه گات. ۱۳۷۳.

۹- ر.ک.به: فلسفی ۱۳۷۹، ص ۷۴۰-۷۳۹.

10- WTO 2003,p.25.

11-Ibid.,p.27-43.

۱۲- در شق ۲ قسمت «الف» ماده ۵ کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی هم به

امکان جلوگیری از سوء استفاده صاحبان حق اختراع اشاره شده است، ولی این ماده فقط به حق اختراع

مربوط می‌شود و به طور محدودی- ولو به طور تمثیلی- به مصادیق

سوء استفاده (عدم استفاده از حق اختراع) اشاره کرده است. ماده ۱۰ دوم کنوانسیون پاریس هم به مقابله با رقابت غیرمنصفانه یا رویه‌های مکارانه (مثل رویه‌های گمراه‌کننده) اشاره کرده است. معمولاً این رویه‌ها از رویه‌های محدودکننده تجاری متمایز و تفکیک می‌گردند، گو این که گاه ممکن است همپوشی داشته باشند. شایان ذکر است که رعایت مواد مذکور طبق بند ۱ ماده ۲ موافقت‌نامه تریپس برای اعضای سازمان جهانی تجارت الزامی است.

۱۳- برای آشنایی با برخی شرایط و محدودیتهای قراردادهای سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی، از جمله، ر.ک.به: سازمان توسعه صنعتی ملل متحد ۱۳۸۳، فصلهای پنجم تا هفتم و:

WIPO 2001, p.172-195.

در اثر دوم اشاره شده است که «قانون مدل وایپو برای کشورهای در حال توسعه درباره نوآوریها» (WIPO Model Law for Developing Countries on Inventions) حاوی یک چارچوب حقوقی و اداری برای بررسی و ثبت قراردادهای انتقال تکنولوژی است که جلوی تحمیل محدودیتهای غیرموجه برای انتقال تکنولوژی و لطمه خوردن منافع اقتصادی کشورهای در حال توسعه را می‌گیرد. در این قانون، فهرستی شامل برخی از این گونه محدودیتهای و شرایط تحمیلی آورده شده است تا کشورهای در حال توسعه با شناخت آنها بهتر بتوانند به کنترل قراردادهای انتقال تکنولوژی بپردازند. برخی از این رویه‌های محدودکننده که باید از اعمال آنها جلوگیری شود عبارتند از:

۱- ورود یا خرید تکنولوژی خارجی که مشابه داخلی آن با شرایط مشابه یا بهتر قابل دسترس است؛

۲- تحمیل یک حق الامتیاز غیرمعقول و بیش از ارزش تکنولوژی موضوع قرارداد؛

۳- محدود کردن آزادی عمل دریافت‌کننده لیسانس در تأمین مواد و محصولات مورد نیاز خود و ملزم ساختن او به خرید یا استفاده از مواد و محصولات مورد نیاز از اعطاکننده لیسانس یا فروشندگان مورد نظر وی، مگر در مواردی که جز این ممکن نباشد یا واقعاً برای تضمین کیفیت محصول آن هم با قیمت معقول لازم باشد؛

۴- ملزم ساختن دریافت‌کننده لیسانس به فروش محصول خود صرفاً یا عمدتاً به افرادی

خاص؛

۵- ملزم ساختن دریافت‌کننده لیسانس به این که هرگونه نوآوری خود در تکنولوژی موضوع قرارداد را بدون دریافت هیچ حقی در اختیار اعطاکننده لیسانس قرار دهد؛

۶- محدود کردن میزان تولید محصول موضوع قرارداد؛

۷- محدود کردن آزادی عمل دریافت‌کننده لیسانس برای صدور محصول خود یا اعطای این حق صدور به سایرین، مگر در مواردی که اعطاکننده لیسانس در کشور مقصد صادرات مذکور، صاحب یک حق اختراع باشد که ورود محصول مذکور به آنجا باعث نقض آن حق اختراع شود یا او طبق یک قرارداد دیگر متعهد شده باشد که اجازه صدور کالای مذکور به کشور مقصد را به کسی اعطا نکند و یا این که او قبلاً همان کالا را به بازار کشور مقصد عرضه کرده باشد؛

۸- الزام استخدام افراد مورد نظر اعطاکننده لیسانس به شرط عدم نیاز به آنها برای انتقال صحیح تکنولوژی؛

۹- ایجاد محدودیتهایی برای فعالیت دریافت‌کننده لیسانس در زمینه تحقیقات یا توسعه تکنولوژیک؛

۱۰- محدود کردن آزادی عمل دریافت‌کننده لیسانس برای استفاده از تکنولوژیهای غیر از تکنولوژی موضوع قرارداد؛

۱۱- گسترش پوشش قرارداد به تکنولوژی که برای انجام هدف قرارداد لازم نیست؛

۱۲- تعیین قیمت فروش یا فروش مجدد محصولات دریافت‌کننده لیسانس؛

۱۳- معاف ساختن اعطاکننده لیسانس از هرگونه مسئولیتی در قبال ایرادات احتمالی تکنولوژی موضوع قرارداد یا محدود ساختن غیرمعقول مسئولیت وی؛

۱۴- محدود ساختن آزادی دریافت‌کننده لیسانس برای استفاده از تکنولوژی موضوع قرارداد پس از اتمام تعهدات قراردادی وی، مگر در مورد حقوق اعطاکننده لیسانس در رابطه با حق اختراع؛

۱۵- طولانی بودن غیرمعقول مدت قرارداد، مگر در صورتی که مدت قرارداد از مدت حق اختراع تجاوز نکند.

14- WTO 2003,p.25.

۱۵- برای آشنایی با سابقه تاریخی مفهوم و کاربرد مجوزهای اجباری، از جمله، ر.ک.به:

South Centre 1999 and Reichman and Hasenzahl 2003.

۱۶- اصل یا دکتین خاتمه حقوق در واقع همان دکتین اولین فروش است (در مقابل فروش مجدد

(resale) یا موضوع حقوق اجاره‌ای (rental rights)). حقوق اجاره‌ای یک استثنا بر دکتین خاتمه

حقوق است که حقوق اجاره‌ای را در مواردی (مذکور در ماده ۱۱ و بند ۴ ماده ۱۴ موافقت‌نامه تریپس)

برای صاحب حق حفظ می‌کند.

۱۷- در اینجا بد نیست اشاره شود که کشورهای مختلف نه تنها رژیمهای مختلفی را در مورد

مسأله خاتمه حقوق اتخاذ کرده‌اند بلکه در مورد حوزه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری و حتی در مورد

آثار گوناگون یک حوزه واحد از حقوق مالکیت فکری (مثلاً کپی‌رایت) نیز مقررات متفاوتی را وضع

کرده‌اند. بنابر این، ممکن است یک رژیم واحد برای همه حوزه‌های حقوق مالکیت فکری و آثار و

کالاها مشمول آنها مطلوب نباشد. ولی به طور کلی، از آنجا که هدف مقررات مربوط به خاتمه حقوق،

کمک به توسعه رقابت بین تولیدکنندگان و افزایش رفاه مصرف‌کنندگان است، اتخاذ یک رژیم

بین‌المللی درباره خاتمه حقوق احتمالاً بیشتر به ارتقای رقابت، تخصص و رفاه اقتصادی در جهان کمک

خواهد کرد. در مواردی که به طور استثنایی ممکن است این رژیم مفید نباشد، به جای اتخاذ یک رژیم

بسته که در مجموع به ضرر کشورهای در حال توسعه است، می‌توان در قوانین و مقررات خود یک

استثنا قایل شد.

۱۸- در شق «الف» بند ۱ ماده ۲۸ موافقت‌نامه تریپس اشاره شده است که صاحب حق اختراع از

جمله می‌تواند از واردات محصول مشمول حق اختراع جلوگیری کند. عده‌ای گفته‌اند که این ماده به طور

تلویحی ماده ۶ موافقت‌نامه تریپس را نسخ می‌کند. ولی باید توجه داشت که در زیرنویس ماده ۲۸

صریحاً گفته شده است که حق مذکور مشمول مقررات ماده ۶ می‌باشد و به همین دلیل نمی‌توان از ماده

۲۸ برای مطرح ساختن مسأله خاتمه حقوق در نظام حل اختلاف در چارچوب موافقت‌نامه تریپس

استفاده کرد. بعلاوه، شق «ت» بند ۵ «بیانیه دوحه درباره موافقت‌نامه تریپس و بهداشت عمومی»

(۲۰۰۱) هم به طور کلی به حق قانونگذاری هر عضو در مورد خاتمه حقوق اشاره کرده و فقط به ماده ۶

اشاره نکرده است و این امر نشان می‌دهد که این ادعا را نمی‌توان پذیرفت که مواد دیگر (مثل ماده ۲۸) تلویحاً ماده ۶ را نسخ می‌کنند.

۱۹- در نگارش این قسمت، علاوه بر اسناد و منابع ذکر شده، از اثر زیر هم استفاده شده است:

UNCTAD- ICTSD 2005.

منابع

بزرگی، وحید (۱۳۸۰) سازمان جهانی تجارت، حقوق مالکیت فکری و کشورهای در حال توسعه.

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره پنجم و ششم (شماره مسلسل ۱۷۴ - ۱۷۳).

ص ۱۹۷-۱۹۲.

دبیرخانه گات (۱۳۷۳) سند نهایی دور اروگوئه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۱۳۸۳) راهنمای تنظیم قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری

مشترک صنعتی. ترجمه و تحقیق رضا پاکدامن. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

فلسفی، هدایت (۱۳۷۹) حقوق بین‌الملل معاهدات. تهران: فرهنگ نشر نو.

Anand, Bharat N. and Tarun Khanna (2000) "The Structure of Licensing Contracts." **Journal of Industrial Economics**, vol.48, no.1, p.103-135.

Commission on Intellectual Property Rights (2002) **Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy**. London: Commission on Intellectual Property Rights.

Fink, Carsten and Carlos A. Primo Braga (1999) "How Stronger Protection of Intellectual Property Rights Affects International Trade Flows." World Bank Policy Research Working Paper No. 2051. Reprinted in Fink and Maskus 2005, p.19 - 40.

Fink, Carsten and Keith E. Maskus, eds. (2005) **Intellectual Property and Development: Lessons from Recent Economic Research**. Washington, D.C.: The World Bank.

Fosfuri, Andrea (2003) "Country Risk and the International Flows of Technology: Evidence from the Chemical Industry". Universidad Carlos III de Madrid Working Paper.

Mansfield, Edwin (1985) "How Rapidly Does Industrial Technology Lead Out?" **Journal of Industrial Economics**, vol. 34, p. 217-223.

- _____(1994) "Intellectual Property Protection, Foreign Direct Investment, and Technology Transfer." International Finance Corporation Discussion Paper No. 19.
- _____(1995) "Intellectual Property Protection, Direct Investment and Technology Transfer: Germany, Japan and the United States." International Finance Corporation Discussion Paper No.27.
- Maskus, Keith E. (1998a) "The International Regulation of Intellectual Property." **Weltwirtschaftliches Archiv**, vol. 134, no.2,p. 186-208.
- _____(1998b) "The Role of Intellectual Property Rights in Encouraging Foreign Direct Investment and Technology Transfer." **Duke Journal of Comparative and International Law**, vol.9, no. 1, p.109-162. Reprinted in Fink and Maskus 2005, p. 41-73.
- _____(2000) **Intellectual Property Rights in the Global Economy**. Washington D.C.: Institute for International Economics.
- Maskus, Keith E. and Mohan Penubarti (1995) "How Trade-Related are Intellectual Property Rights?" **Journal of International Economics**, vol.39, p. 227-248.
- Munzer, Stephen R., ed. (2001) **New Essays in the Legal and Political Theory of Property**. New York: Cambridge University Press.
- Nicholson, Michael (2003a) "Intellectual Property Rights, Internalisation, and Technology Transfer." Bureau of Economics, Federal Trade Commission Working Paper.
- _____(2003b) "The Impact of Industry Characteristics on International Technology Transfer". Bureau of Economics, Federal Trade Commission Working Paper.
- Park, Walter and Douglas Lippoldt (2003) "The Impact of Trade-Related Intellectual Property Rights on Trade and Foreign Direct Investment in Developing Countries." OECD Trade Policy Working Paper.
- _____(2004) "International Licensing and the Strengthening of Intellectual Property Rights in Developing Countries." OECD Trade Policy Working Paper No.10.
- Reichman, Jerome H. and Catherine Hasenzahl (2003)"Non- Voluntary Licensing of Patented Inventions". UNCTAD- ICTSD Issue Paper No.5 <[http:// www. ictsd. org/ pubs/ ictsd- series/ iprs / CS- reichman- hasenzahl.pdf](http://www.ictsd.org/pubs/ictsd-series/iprs/CS-reichman-hasenzahl.pdf)>.
- Smarzynska, Beata (2004) "The Composition of Foreign Direct Investment and Protection of Intellectual Property Rights: Evidence From Transition Economies." **European Economic Review**, vol. 48, no.1, p.39-62. Reprinted in Fink and Maskus 2005, p. 133-168.
- Smith, Pamela (1999) "Are Weak Patent Rights a Barrier to U.S. Exports?" **Journal of International Economics**, vol. 48, p. 151-177.

- _____ (2001) "How Do Foreign Patent Rights Affect U.S. Exports, Affiliate Sales, and Licenses?" **Journal of International Economics**, vol. 48, p. 151-177.
- South Centre (1999) "Intellectual Property Rights and the Use of Compulsory Licenses: Options for Developing Countries". T.R.A.D.E. Working Paper No. 5 <http://www.southcentre.org/publications/working_papers/wp05.pdf>.
- Thumm, Nikolaus (2003) "Research and Patenting in Biotechnology: A Survey in Switzerland". Swiss Federal Institute of Intellectual Property, Publication No. 1 (12.03).
- UNCTAD (2002) **Training Tools on the TRIPS Agreement: The Developing Countries' Perspective**, Geneva: UNCTAD.
- UNCTAD-ICTSD (2001) "Intellectual Property Rights and Development." Policy Discussion Paper.
- _____ (2005) **Resource Book on TRIPS and Development**. Cambridge: Cambridge University Press.
- UNDP (1999) **Human Development Report 1999**. Oxford; Oxford University Press.
- WIPO (2001) **WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use**. WIPO Publication No. 489(E) <<http://www.wipo.int/about-ip/en/iprm>>.
- _____ (2006) **WIPO Patent Report**. WIPO Publication No. 931(E) <<http://www.wipo.int/ipstats/en/statistics/patents/pdf/patent-report-2006.pdf>>.
- World Bank (2001) **Global Economic Prospects and the Developing Countries 2002: Making Trade Work for the World's Poor**. Washington D.C: The World Bank.
- WTO (2002) **The Legal Texts : The Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations**. Geneva: WTO Publications.
- Yang, Guifang and Keith E. Maskus (2001) "Intellectual Property Rights and Licensing: An Econometric Investigation." **Weltwirtschaftliches Archiv**, vol. 137, p. 58 – 79. Reprinted in Fink and Maskus 2005, p. 111-131.
- _____ (2003) "Intellectual Property Rights, Licensing, and Innovation." The World Bank Policy Research Working Paper No. 2973.